[آسان داک](http://www.asandoc.com/) (www.Asandoc.com)

اثرات هماهنگ سازی بین المللی حسابداری

کی، ای، دارشانا لاکمال

مدرس یار

دانشکده تجارت و مدیریت

دانشگاه شرق، سریلانکا

آدرس پست الکترونیک: kadarsha2@gmail.com

چکیده

هماهنگ سازی یک فرآیند برای افزایش سازگاری در شیوه های حسابداری است که حدود میزان تغییری که می تواند رخ دهد را تنظیم می کند. استاندارد هماهنگ شده فاقد تعارض منطقی است و باید سازگاری اطلاعات مالی کشورهای مختلف را بهبود بخشد. اقدامات لازم برای هماهنگ کردن استاندارد حسابداری، قبل از تشکیل کمیته بین المللی استاندارد حسابداری (IASC) در سال 1973 آغاز شد.قبل از آن، شرکتها به دنبال سرمایه خارج از بازار داخلی خود بودند و سرمایه گذاران تلاش می کردند تا سرمایه گذاری خود را به صورت بین المللی تنوع دهند زیرا با مشکلاتی مواجه شده بودند که از تفاوت های ملی در اندازه گیری حسابداری، افشاء و حسابرسی ناشی شده بود. در واکنش به این موضوع، اقدامات هماهنگ سازی در سال 1990 با سرعت بیشتری انجام شد. هماهنگ سازی بین المللی حسابداری در حال حاضر یکی از مهمترین مسائلی است که گذارندگان استاندارد حسابرسی، قانونگذاران بازار سهام، بورس و آنهایی که صورتحساب های مالی را تهیه و یا استفاده می کنند با آن مواجه می شوند. اقدامات برای دستیابی به هماهنگ سازی بین المللی با مباحث هوشیارانه ای نشان داده شده است. آیا استاندارد حسابداری هماهنگ و یکپارچه شده اند؟ آیا منطقی است که استاندارد حسابداری مشابهی در کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای توسعه یافته به صورت یکسان اتخاذ شود؟ هدف از این مقاله نشان دادن این مسائل است.

کلمات کلیدی: هماهنگ سازی، استاندارد بین المللی حسابرسی

نوع مقاله:مروری بر ادبیات

مقدمه

استاندارد گزارش دهی مالی تلاش می کند تا به صورت منطقی به مسائل رسیدگی کند و سازگاری را بین سازمانهای مختلف گسترش دهد. استاندارد در هر دو سطح ملی (در بیشتر کشورها) و سطح بین المللی تدوین شده است. IASs توسط کمیته بین المللی استاندارد حسابرسی ایجاد شد. از 1 آوریل 2001، هیئت عامله جدید استاندارد بین المللی حسابداری (IASB) مسئولیتهای تنظیم استاندارد را از IASC تحویل گرفت. کمیته بین المللی استاندارد حسابداری IASC مسئول تقویت ماموریت های هیئت عامله برای توسعه و افزایش استاندارد حسابرسی بود. با توجه به این ماموریت، IASC استاندارد بین المللی حسابرسی(IAS) را تدوین و صادر کرد. IASC معتقد است که صدور چنین استانداردی باعث بهبود یکپارچگی حسابداری در سراسر دنیا خواهد شد. افراد به طور معمول از واژه هماهنگ سازی استفاده می کنند، استاندارد سازی به طور کلی به معنی وضعیت استوار و محدود مجموعه ای از قوانین است و ممکن است حتی یک استاندارد یا قانون در تمامی موقعیت ها به کار رود. استاندارد سازی تفاوت های ملی را تطبیق نمی دهد و بنابراین اجرای آن به صورت بین المللی مشکل است. هماهنگ سازی دارای انعطاف پذیری بیشتری است و صریح است: این شامل یک شیوه با اندازه مناسب نمی شود اما برخی از تفاوت ها را تطبیق می دهد و در سالهای گذشته از نظر بین المللی پیشرفت قابل توجهی داشته است. ناسازگاری اطلاعات مالی در مقایسه با هماهنگ سازی ، مفهوم روشن تری دارد. اطلاعات مالی تحت حسابداری و افشاء متفاوتی ایجاد می شوند و سیستم حسابرسی قابل مقایسه است اگر در شیوه های کافی مشابه باشد و کابران مالی می توانند آن را بدون نیاز به آشنایی اولیه با بیش از یک سیستم مقایسه کنند. تفاوت اصلی در نیازمندیها و شیوه های گزارش دهی مالی در اطراف جهان و نیاز رو به افزایش به کاربران صورت حساب مالی در مقایسه اطلاعات از کشورهای مختلف یک نیروی محرک در حرکت به سمت هماهنگ سازی حسابداری بوده است.

مروری بر ادبیات

حسابداری به صورت پایه در سیستم اطلاعاتی تدوین شده است که اطلاعات اقتصادی را برای تصمیم گیرنده داخل و یا خارج از شرکت مهیا سازد. بنابراین، این تنها مدیریت راهنما در عملیات روز به روز نیست بلکه در برنامه های طراحی و خط مشی آینده به کار می رود. چند دهه گذشته، بیشتر حسابداران و مدیران مالی به ابعاد بین المللی حسابداری و گزارش دهی مالی بی تفاوت بودند. با گسترش تجارت جهانی و ظهور تعداد زیادی شرکت چند ملیتی در صحنه جهانی، آنها درک کردند که یک گروه از مسائل جدال بر انگیز در محدوده بین المللی حسابداری وجود دارد. امروزه، این یک محدوده تخصصی به شمار می رود. اگرچه برخی از مقام ها مانند ساموئل و پیپیر 1985 بحث کرده اند که هیچ چیزی جدیدی درباره حسابداری بین المللی وجود ندارد ، اما حسابداری همیشه بین المللی بوده است و از صدها سال پیش ظهور پیدا کرده است، زیرا این بر تجارت بین المللی تمرکز می کند و ایده ها در سرتاسر کشورها گسترده شده است. چوی و مولر 1979 نیز می گویند که میراث حسابداری به طور مسلم بین المللی است. بنابراین، مسئله حسابداری چند ملیتی در مقایسه با یک ایده جدید دوره ادبی و فرهنگی بیشتری دارد. یک دیدگاه مشابه توسط پارک 1983 بیان شده است، حسابداری مدرن ابتکار یک کشور نیست، آن همیشه در فعالیت خود بین المللی بوده است. بلکائوئی A.R., 1994 در حسابداری چند ملیتی و بین المللی خود فاکتورهایی را ارائه کرده است که ممکن است بر ایجاد یک سیستم بین المللی حسابداری تاثیر گذارد.. (2002، ص 64). براساس مقالات چوئی (200)، حسابداری بین المللی یک هویت است که بر شرکت چند ملیتی با عملکرد و واکنش که از موانع ملی عبور می کند و یا یک هویت مقرارات گزارش دهی به کاربرانی که در یک کشور قرار گرفته گزارش می شود. به علاوه، آن تعیین می کند که به دلیل رشد و گسترش عملیات چند ملیتی، گزارش دهی هنگامیکه کسب کار فراتر از محدوده ملی، رقابت جهانی، ابداع مالی، ادغام گسترده تر، بین المللی کردن بازار سرمایه می رود، حسابداری بین المللی در سالهای اخیر مهم و پیچیده شده است. بنابراین، رشد بالقوه سود در عنوان تحقیقات حسابدری بین المللی نشان می دهد که حسابداری در کشورهای مختلف به صورت متفاوتی تدوین شده است ، زیرا الگوهای سازمانی و رسمی متفاوتی در کشور وجود دارد. نوبز 1984 برخی از فاکتورها را لیست کرده است که شامل سیستم صریح قانونی، منبع مالی، مالیات، تورم، حرفه، وقایع، تئوری توصیف راه حل های مختلف حسابداری در بین کشورها می باشد. یک تحلیل از تعریف حسابداری مالی نشان می دهد که منطقه گسترده ای را پوشش می دهد. این یک شاخه از حسابداری به عنوان یک لایه نیست، بلکه یک مقطع میانی از حسابداری است. اثر انباشته ویژگی تغییر کرده تجارت بین المللی، برتری شرکتهای چند ملیتی و بین المللی کردن پول و بازارهای سرمایه باعث مشکلات حسابرسی تکنیکی مشخصی می شود که یک بعد بین المللی دارند. بنابراین، حسابداری بین المللی یک مطالعه تطبیقی از اصول و شیوه های حسابداری مالی را در کشورهای مطرح جهان پوشش می دهد و شباهت ها و تفاوت ها سپس مشخص می شوند. با ظهور فرآیند جهانی سازی، به نظر می رسد که هماهنگ سازی استاندارد حسابداری با یک گستردگی در کل جهان مواجه می شود، واگریی بین قوانین حکومت های مختلف کاهش می یابد (رینستین و وریچ 2002)

در یک اقدام برای بررسی هماهنگ سازی حسابداری در بخش دولتی، برخی از نویسندگان (تورترس 2008) فرآیند هماهنگ سازی را به عنوان یک اقدام مخالف در برابر تنوع و تغییر بیان می کند و همچنین این فرآیند را به عنوان یک کاهش در قوانین متضاد که باعث کسب درجه قیاسی بالاتری در گزارش دهی مالی می شود تعریف می کند.

ادبیات حسابداری یک نیاز برای هماهنگ سازی بین المللی در این زمینه شناسایی می کند (رامچاران 2000) که به طور ویژه ای از روشها ظهور یافته اند، جاییکه تغییر در مقررات یک کشور ممکن است از روشی که اطلاعات مالی توسط کاربران درک می شود جلوگیری کند (کامباروس 2000). بنابراین براساس مطالعات نویسندگان مختلف (دینگ و همکاران 2007)، هماهنگ کردن شیوه های حسابدری نباید به عنوان هدف اصلی سازمانها دیده شود که این زمینه را تنظیم می کنند، زیرا این بر هویت ملی کشور در مقررات حسابداری تاثیر می گذارد. یک دیدگاه متمایز در هماهنگ سازی حسابداری بین المللی باید آزمایش تاثیر آن بر یک کشور خاص باشد. مقالات در این زمینه (کیکویا 2001) نشان داد که کشورها به هماهنگ سازی تمایل دارند، بنابراین در شیوه محقق می شود ، همانطور که تفاوت هایی هنوز در شکل محدودیت برای هماهنگ سازی وجود دارد. در محیط سیاسی بحران مالی، چارلی مک کریوی 2009، عضو هیئت اروپایی برای بازار و خدمات داخلی به این بحث پرداخت که حسابداری فقط یک موضوع داغ سیاسی نیست، بلکه حسابداری در حال حاضر برای حسابدار مهم است. علیرغم شناخت موضوعات بارز سیاستمداران حسابداری، دانشمندان حسابداری شروع به درک هماهنگ سازی حسابداری بین المللی کرده است. با توجه به فاصله در درک ما از اصل مقررات فوق ملی حسابداری و سیاست هماهنگ سازی، هاپوود 1994 تحقیقات بیشتری را در زمینه رسمی، سیاسی و اجتماعی در بین المللی کردن حسابداری انجام داده اند. اخیرا، فضای سریع هماهنگ سازی، همراه با سیاست گذاری استاندارد حسابداری در دوره بحران مالی 2008 تا 2009 تحقیقات حسابداری را در رشته های مختلف اجرا کرده اند که ناشی از گزارش دهی مالی بین المللی و استانداردهای حسابرسی می شود که این پدیده را از دیدگاه های تئوری مختلف بررسی کرده اند (بهیمانی 2008، باتزم و کواک 2009، کامفرمن و زف 2007، چائو و تیلور 2008، چیاپلو و مدجد 2009، لافت و هامفری 2006، هامفری و لافت 2009، هامفری و همکاران 2009)

روش شناسی

بین المللی کردن حسابداری در تفسیر پاور (2009) در رابطه با نفوذ یک فرهنگ تجاری جهانی در بسیاری از کشورها بررسی شده است که برحسب توافقاتی که یک حسابداری خوب را در مشارکت با شبکه های معاملات کارشناسان بیان می کند که زمینه حسابدری را مشهور می سازد. تاریخچه حسابرسی در رابطه توسعه سیستم سرمایه داری در سراسر جهان معنی شده است، که از فرآیند مالی اتخاذ شده است. (آرنولد 2009). هدف ابتدایی این مقاله تمرکز بر تحلی است تا درک بهتری از هماهنگ سازی حسابداری بین اللمی با تحلیل و استفاده از عقاید محققان حاصل شود.

هماهنگ سازی بین المللی

نظم سازمانی روش حسابرسی و حسابدری مالی را کنترل می کند که در سطح ملی توسط قانونگذاران و انجمن ملی در اواسط سال 1990 سازماندهی شده بود. این انتقال در نفوذ استانداردهای گزارش دهی مالی که توسط قسمت فوق ملی، هیئت ملی استاندارد بین المللی حسابداری تنظیم شده است آشکار است. استاندارد بین المللی گزارش دهی مالی (IFRS) از ابهام نسبی برای تبدیل شدن به استاندارد جهانی اتخاذ شده است. استفاده از IFRS در حال حاضر در بیش از 100 کشور مجاز و مورد نیاز است، اعضاء اتحادیه اروپا شروع به آمادگی شرکت ها برای گزارشات مالی در رابطه با IFRS در سال 2005 کردند. حتی در ایالات متحده امریکا، جاییکه حمایت از پذیرش داخلی IFRS مخلوط شده بود، پیشرفت به سمت هماهنگ سازی حسابداری حرکت کرد تا همگرایی بین آمریکا و استانداردهای بین المللی گزارش دهی مالی به دست آید و بورس 2007 و کمیسیون سهام در کشورهای خارجی استفاده از IFRS را در SEC بدون تلفیق با استانداردهای آمریکا امکان پذیر شد. اگرچه رسمی سازی هنجار های حسابرسی نسبت به IFRS از اهمیت کمتری برخوردار است، هیئت استاندارد بین المللی حسابرسی در سالهای اخیر برتری هایی را به دست آورده است (لافت و هامفری 2006، هامفری و لافت 2009، هامفری و همکاران 2009). در چنین زمانی، فروپاشی سیستم مالی جهانی در سال 2008 توجه زیادی را در استاندارد گزارش دهی مالی و فرآیند تنظیم استاندارد به خود جذب کرد و نشان داده شد که قوانین حسابداری می تواند تاثیراتی بر اقتصاد کلان داشته باشد (آرنولد 2009). هنگام بحران مالی، قوانین حسابداری توسط برخی از افراد برای تشدید بحران با وارد کردن ریسک و یا آسیب رساندن به برگه های ترازنامه در طول بحران اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفت (لاکس و لئوز 2009) قابل توجه است که اقدامات زیادی بر هماهنگ سازی IAS و U.S انجام شده است. GAAP برخی از تفاوت های مهم بین المللی را نادیده گرفته است. هارائو 1995 پیشنهاد می کند که هماهنگ سازی بین المللی حسابداری یک هماهنگ سازی با مدل حسابداری انجلو-ساکسون است، که این با محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و دیگر سیستم های حسابداری متناقض است. (ص 218). هارائو ذکر می کند که اثرات IAS باید در رابطه با تاثیرات دور از دسترس U.S GAAP بررسی شود. اگرچه IAS در فعالیتها و جزئیات نسبت به US. GAAP محدودیت بیشتری دارد، اما IAS از چنین مفهومی در حسابداری پیشرفت می کند که هدف اولیه اطلاعات مالی ارائه اطلاعات مفید به تصمیم گیرندگان است.یک دیدگاه سرمایه گذار محور درباره اطلاعات مالی در یک کشور ایجاد می شود ، جائیکه اکثر فعالیتهای اقتصادی از طریق بورس اوراق بهادر انچام می شود. این دیدگاه بر توسعه اصول حسابداری و ماهیت اطلاعات مالی تدوین شده تاثیر می گذارد. اصول پایه حسابداری مالی در حال حاضر به عنوان قسمتی از چیزی که سیستم جهانی حسابداری نامیده می شود ،در سراسر جهان منتشر شده است که نسبت به دهه های گذشته در سیستم حسابداری مختلف یافت می شود. بر این اساس، پاور (2009، ص 325) به بحث می پردازد که ما نیاز داریم که به مفهوم بین المللی کردن حسابداری مالی دوباره فکر کنیم و نقطه شروع را برای تحقیقات حسابداری بین المللی مجددا تعریف کنیم. نسبت به سیستم حسابدری بین المللی حسابداری به عنوانیک واحد اولیه در تحلیل و بررسی، وجود استانداردهای بین المللی حسابداری بر حسب حرکت از هنجارهای ملی به بین المللی و تضاد بین نیروی استاندارد سازی بین المللی و محدودیت های فرهنگی و رسمی، پاور 2009 یک تحقیق حسابداری بین المللی را به عنوان یک سیستم جهانی می خواند که یک واحد اولیه از تحلیل است. اگرچه SEC با استفاده از استاندارد بین المللی حسابداری را در آمریکا مخالفت کرده است اما US GAAP مسائل را برای سرمایه گذاران روشن کرده اند، و این باعث پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری در اقتصاد به وجود آمده به عنوان یک ابزار در بهبود شفافیت بازار نمی شود به شرط اینکه آن استاندارد اجرا و تقویت شده باشند. به راحتی که آمریکا استاندارد بین المللی حسابداری را نسبت به US GAAP تاییده کرده است، به عنوان یک استاندارد طلائی برای اقتصاد بوجود آمده بر حسب مباحثه پاور 2009 (ص. 326) غیر قابل درک است که تاریخچه رقابت IASP با دیگر قانونگذاران استاندارد به عنوان یک تضاد بین استانداردهای ملی و بین المللی تشریح نشده است. به نظر می رسد که هماهنگ سازی در شیوه حسابداری غربی وارد شده است که نسبت به غرب از نظر اقتصادی پیشرفت کمتری داشته است. توجه کمی به احتمالی که شیوه های حسابدری جوامع مختلف ممکن است دیدگاه های متفاوتی داشته باشند (حمید، کراچ و کلارک 1993)

در ادبیات حسابدری، مطالعات تطبیقی بین المللی از تئوری خرد سازمانی در درک روشی که حسابداری در فرهنگ ملی اجرا می شود استفاده کرده اند (نوبز و پارکر 1998). این تئوری که شیوه های حسابداری ملی در موسسات مالی یا شرکتهای ملی مانند مکتب آمریکایی، تمرکز قدرت اقتصادی فرانسه و اتحادیه آلمانی ریشه دار شده است، قادر به توصیف سرعت هماهنگ سازی در اواسط سال 1990 نبوده است (هاپوود 2000). پاور 2009 به بحث می پردازد که این بدین دلیل است که تحقیق حسابدری بین المللی با تعیین کنندگان ملی شیوه های مالی تصرف شده اند در حالیکه مفهوم اصول پایه حسابداری مالی (دارایی، درآمد، وظایف و ...) که دارای حدود ملی مشابهی هستند نادیده گرفته شده اند. او نشان می دهد که حسابداری مالی هیچ گاه یک امر ملی نبوده است و توجه بیشتری به تحقیق حسابداری بین للملی در سیستم حسابداری مالی شود، در حالیکه او بحث می کند که یک شیوه منطقی در سطح جهانی وجود داشته است، حسابداری بین المللی و مشکلات تنوع به یک تحقیق شفاف و موضوع خط مشی تبدیل شده اند (پاور ، 2009، ص. 336)

نتیجه گیری

تدوین استاندارد حسابداری با کاربرد جهانی در تمامی موقعیت ها و برنامه هایی که یک حسابدار ممکن است با آن موجه شود غیر ممکن است. بنابراین حسابدار باید اصول حسابداری را به عنوان اصول پایه در نظر بگیرد و آنها را در کار خود اجرا کند.

یک نگرش متفکرانه در ارزیابی شرایط مطلوب هماهنگ سازی بین اللملی نشان داد که هزینه ها و منافع از موردی به مورد دیگر متفاوت هستند. کسب کار منافع قابل توجهی را در برنامه ریزی، هزینه های سیستم، آموزش و غیره از هماهنگ سازی تجربه خواهد کرد. اما این مورد موانع دیگری را نشان می دهد که وضع مالیات هماهنگ سازی و سیستم های امنیت اجتماعی تاثیرات زیادی بر اثر بخشی اقتصادی دارند. سیستم های متفاوت دارای تاثیرات متفاوتی نیز می باشند. توانایی برای مقایسه نگرهای متفاوت در کشورهای مختلف باعث بهبود در سیستم می شود. کشورها در رقابت هستند و رقابت آنها را مجبود می سازد تا سیستم اثر بخشی را اتخاذ کنند. از دیگر انتقادات این است که تنظیم استاندرد بین المللی حسابداری لزوما یک تاکتیک در خدمات حسابدری شرکتهای بزرگی است که می خواهند بازار خود را گسترش دهند. شرکتهای حسابداری چند ملیتی لازم الاجرا هستند، گفته شده است که استاندارد بین المللی در محیط ملی که استاندردها متمایز و پیچیده هستند به کار برده شود. همچنین به عنوان موسسات بین المللی مالی و بازار بین المللی مالی بر استفاده از استانداردهای بین اللمی تاکید می شود، فقط شرکتهای حسابدری بزرگ می توانند این درخواست را برآورده سازند. به علاوه، پذیرش استاندارهای بین المللی که ممکن است باعث ایجاد گرانبار کردن استاندارد شود، موضوعی هراس آور بوده است. ابر شرکت ها باید به فشارهای اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی و ملی واکنش نشان دهند و با پیچیدگی های اضافی و نیازمندیهای بین امللی پر هزینه موافقت کنند.